

بحثی پیرامون سازه‌شناسی^۱ و معنی‌شناسی^۲

کوروش صفوی

آنچه تحت عنوان سازه‌شناسی و معنی‌شناسی در محدوده ساخت زبانی مطرح است، در چهارچوب این مقاله به صورت ساده، بدون در نظر گرفتن مسایل فنی، درحوزه «واژه»، و «معنی» قرار می‌گیرد. در اینجا سعی ما براین است تا برخی از حالات مختلف این دو مقوله را، یعنی رابطه واژه با واژه، رابطه واژه با معنی و رابطه معنی با معنی، نشان بدهیم.

۱- رابطه واژه با واژه.

واژه‌ها می‌توانند به یکدیگر حالات متفاوتی را پدید آورند.

الف - ممکن است چند واژه از ساخت آوایی مشابهی برخوردار باشند. چنین رابطه‌ای مسأله هم‌آوایی^۳ را مطرح می‌سازد. برای نمونه، غزا - قضا - غذا، درحالی‌که هم از نظر معنایی و هم از نظر نوشتاری متفاوتند ولی از نظر آوایی به یک صورت واحد تلفظ می‌شوند.

ب - چند واژه می‌توانند دارای صورت نوشتاری واحد باشند. این رابطه مسأله هم‌نویسی^۴ را مطرح می‌سازد. برای نمونه، کرم (Kerm, Karam, Korom, Kerem) که حداقل دارای چهار ساخت آوایی متفاوت و طبعاً چهار معنی متفاوت می‌باشد. با در نظر گرفتن جایگاه تکیه، می‌توان برای صورت مذکور شش ساخت آوایی مختلف در نظر گرفت، زیرا Karàm (بخشش، لطف) و Kàram (کرهستم) نیز دارای معانی کاملاً متفاوتی خواهند بود.

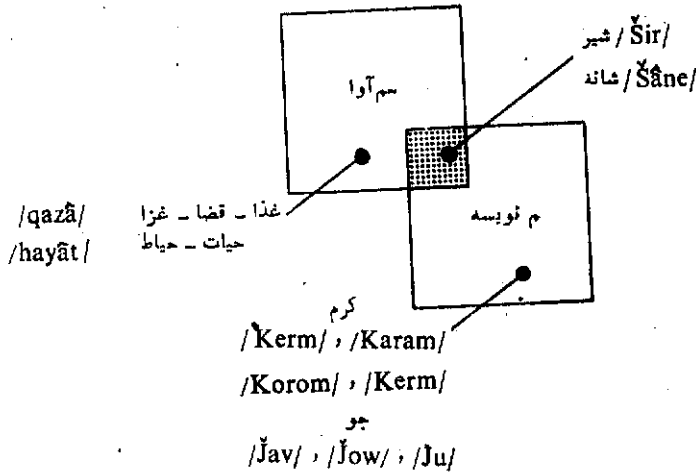
ج - چند واژه می‌توانند هم دارای صورت نوشتاری واحدی باشند و هم از ساخت آوایی واحدی برخوردار باشند. برای نمونه: شیر (شیرجنگل، شیر نوشیدنی، شیرآب)، شانه (کتف، وسیله آرایش مو).

1. morphology

2. semantics

3. homonymy

4. homography



۲- رابطه واژه با معنی

واژه نسبت به معنی خود می‌تواند حالات متفاوتی پدید آورد. الف- يك واژه می‌تواند دارای چند معنی باشد. این حالت، مسأله چند معنایی را مطرح می‌سازد. که در حالت (۱، ج) نیز مطرح گردیدیم. برای نمونه واژه «ماه» در دو جمله زیر:

- فروردین اولین ماه سال است.

- ماه به دور زمین می‌گردد.

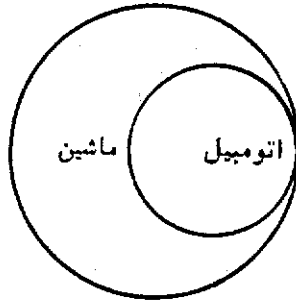
ب - چند واژه می‌توانند دارای يك معنی باشند. در اینجا مسأله هم معنایی^۱ مورد نظر است.

برای نمونه: اتومبیل را در خیابان پارک کرد.

ماشین را در خیابان پارک کرد.

معنی‌شناسان عموماً معتقد به هم معنایی کامل نیستند. برای مثال، دو واژه «ماشین» و «اتومبیل» تنها در جایگاه خاصی هم معنی می‌باشند، در جمله «باماشین ریشم را تراشیدم» دیگر نمی‌توان واژه «اتومبیل» را جایگزین واژه اول ساخت. در این جا واژه «ماشین» از شمول معنایی بیشتری برخوردار است و می‌تواند به وسایل و ابزارهای گوناگون اطلاق گردد:

گاهی اتفاق می‌افتد که دو واژه هم معنی در دو گونه زبانی مختلف مورد استفاده قرار گیرند. به عنوان مثال واژه‌های «یادداشتن» در گونه مشهدی با «بلد بودن» در



گونه تهرانی هم معنی می‌باشند، ولی این دو واژه هیچگاه در یک گونه به جای هم مورد استفاده قرار نمی‌گیرند. زیرا «یادداشتن» در گونه تهرانی مترادف «به‌خاطر داشتن» است. دو واژه هم‌معنی ممکن است متعلق به دو سبک یا دو گونه موقعیتی خاص باشند، مثلاً واژه‌های «شوهر» و «آقا» در جایگاه کاربرد خاصی دارای معنی یکسان در سبک‌های مختلف می‌باشند.

دو واژه مترادف می‌توانند از نظر هم‌نشینی با واژه‌های دیگر دارای توزیع متفاوتی باشند. برای نمونه واژه‌های «خانه» و «سرا» را می‌توان مترادف دانست، ولی در مقابل ترکیب «کتابخانه» صورت «کتابسرا» وجود ندارد و در مقابل ترکیب «کارونسرا» نیز به صورت «کاروانخانه» بر نمی‌خوریم، ولی در یک محدوده معین صورت‌های «مهمانخانه» و «مهمانسرا» به چشم می‌خورد.

ج- هم‌نشینی چند واژه با معانی مختلف می‌تواند واژه جدیدی بسازد که دارای معنی کاملاً متفاوتی باشد. برای نمونه، دو واژه «شور» و «زدن» هر کدام دارای معنی خاص و معینی می‌باشند، ولی معنی ترکیب «شور زدن» نسبت به معنی دو واژه نخست کاملاً متفاوت است:

شور + زدن ← شور زدن (اضطراب داشتن)

سر + زنده ← سرزنده (شاداب، سرحال)

د- واژه می‌تواند تنها بر جزئی از معنی خود دلالت کند. برای نمونه در جمله «خانه را رنگ کردم»، منظور از «خانه» تنها دیوارهای آن است و نه تمامی خانه.

ه- واژه می‌تواند دارای معنی عام باشد. برای نمونه، معنی واژه «جاکلیدی» بر کلیه اشیائی که بتوانند عمل نگهداری کلید را انجام دهند، دلالت می‌کند.

و- واژه می‌تواند به مفاهیمی وابسته به معنی اصلی خود دلالت کند. برای نمونه: «به خانه گفتم که امشب دیر می‌آیم». در اینجا منظور از «خانه»، افراد ساکن در خانه می‌باشند و نه خود «خانه».

مثالی دیگر: «واشنگتن در مورد تولید سلاح‌های هسته‌ای سکوت اختیار کرد»
در این جا منظور از «واشنگتن»، رژیم حکومتی ایالات متحده آمریکا است که در واشنگتن مستقر است.

۳- رابطه معنی با معنی

معنی واژه‌ها می‌توانند نسبت به یکدیگر حالات مختلفی را پیدا کنند:
الف - چند واژه می‌توانند دارای معانی متقابل^۱ باشند. در این جا باید انواع تقابل
واژگانی را از یکدیگر بازشناسیم.

نوع اول:

با منفی ساختن فعل جمله می‌توان دو واژه متقابل را جانشین یکدیگر کرد بدون
آن که معنی جمله تغییر کند.

مثال: باز - بسته

{ در باز است
در بسته نیست }

نوع دوم:

معنی دو واژه ممکن است تنها نسبت به جایگاه خاص مورد نظر گوینده در تقابل
با یکدیگر قرار بگیرد.

مثال: آمدن - رفتن

«آمدن» یعنی «حرکت به جایگاه مورد نظر گوینده»

«رفتن» یعنی «حرکت از جایگاه مورد نظر گوینده»

آمدن رفتن
→ →

جایگاه مورد نظر گوینده

نوع سوم:

یک واژه می‌تواند در بافت‌های گوناگون و حوزه‌های مختلف دارای مقابل‌های
مختلف باشد، برای نمونه واژه «روشن» را در نظر بگیریم:

۱. antonymy.